

پیشگفتار

نزدیک به پانزده سال پیش، یونیچی ماسودا، نابعه اطلاعاتی ژاپن، شهری کامپیوتری را در سده بیست و یکم تخیل کرد که همان آرمانشهر جامعه اطلاعاتی بود و چنانچه تحقق یابد، رهاورد آن آموزش مادام العمر از طریق انقلاب در تکنولوژیهای اطلاعات خواهد بود. از دیگر سو، دانیل بل، که فراآمدن عصر اطلاعات را پیش بینی کرد، شرایط دشوار پیدایش این آرمانشهر را به رغم انفجار دانش، بیان نمود. این دشواری، از انحطاط زندگی و نظامهای حامی آن در سراسر جهان ناشی می شود. ژرفای این بحث، انباشته از پرسشهای اساسی بی شمار درباره آینده بشر است: دنیایی که در آن زندگی می کنیم چه ماهیتی دارد؟ انفجار بزرگ دانش چگونه به پیشرفت بشریت یاری می رساند؟ انقلاب در تکنولوژیهای اطلاعات چگونه رخ می دهد؟ نهاد آموزش در فهم ما از دنیای کنونی و دنیایی که می خواهیم بیافرینیم چه نقشی دارد؟ چرا درصد بالایی از مردم کشورهای رو به توسعه بیسواد مانده اند و بشریت حتی از حقایق بدیهی زندگی نیز غافل شده است؟ تقریباً ۴۸٪ از جمعیت ۹۵۵ میلیون نفری هند و ۷۰٪ از ساکنان کشورهای حاشیه آفریقا بیسوادند. در ایالات متحده آمریکا، به رغم دسترسی به پیشرفته ترین تکنولوژیهای آموزشی، کاهش کیفیت آموزش همه را نگران کرده است. مریان ژاپنی نیز پیوسته از شرایط غم انگیز خلاقیت در جامعه خود اظهار تأسف می کنند و سرانجام، در ژرفایی عمیق تر، همه ما می خواهیم معنا و هدف از انقلاب در تکنولوژیهای آموزشی را بدانیم؛ پیچیدگیهای مراحل یادگیری انسان را بشناسیم؛ و دریابیم که چگونه می توانیم آرایه گسترده این تکنولوژیها را به کار گیریم تا به یادگیری همگانی بینجامد؛ امری که می تواند یاری کننده ما در ظهور استعدادهای گسترده ای که داریم باشد. منظور نهایی ما از دگرگون سازی نهاد آموزش، تسهیل و ارتقای فرآیند یادگیری خلاق است.

ما (نویسندگان کتاب)؛ که خود معلم هستیم، شرایط اساسی این دگرگون سازی و بسیاری دیگر از مقولات پیچیده یادگیری و شرایط انسانی آن را بررسی کرده ایم. به رغم پیشرفت علم و تکنولوژی در سه قرن اخیر، بیشتر اندیشمندان بزرگ از روند نابودی زمین و شرایط بشریت - جهل،

آلودگی، فقر، گرسنگی، بیماری، جنگ طلبی و غیره - به هراس افتاده‌اند. ما در جستجوی روزنه‌ای امیدوارانه به آینده هستیم. همه ملت‌ها اتفاق نظر دارند که نهاد آموزش در سراسر جهان نابسمان است و رهبری آن در پی بردن به بینش و مقصد آموزش باشکست‌ر و پیرود شده است. نهاد آموزش به یک دگرگونی بنیادی نیاز دارد!

ما به عنوان انسان، مخلوقی یادگیرنده‌ایم. یاد دادن و یاد گرفتن، جریان مادام‌العمری است که در سرشت ما نهفته است؛ و یادگیری در بیان نهایی یعنی: خلاقیت. دکتر جیمز میلر - یکی از آموزش‌وران پیشرو، می‌گوید: «تمامی استعدادهای بالقوه ما از راه یادگیری، بالفعل می‌شوند.» در این کتاب، ما به منظور شکوفا کردن استعدادهایمان برای خلق آینده‌ای پایدار، پیشنهاد می‌دهیم. گرچه توان تکنولوژیهای آموزشی و کاربرد آن را در اعتلا و ساده‌ترسازی روند یادگیری در همه سطوح می‌شناسیم اما احساس می‌کنیم که مسائل مربوط به اعتلای انسان - در نهایت - ژرفا و پیچیدگی بیشتری دارد؛ چرا که ورای ابزاریت تکنولوژیها، با یک عنصر انسانی مواجهیم. اگر آموزش به هدف خود، یعنی آفرینش یک محیط زندگی خوب برای همه دست یابد؛ باز هم به پیشی وسیعتر، اهدافی دست‌یافتنی، مقاصدی تعریف شده و کوشش همگانی نیاز داریم. همه افراد جامعه بایستی در جریان انقلابی ساماندهی مجدد و بازسازی نهاد آموزش، سهیم باشند. ما ادعا نمی‌کنیم که قاعده یا طرح عملی مشخصی برای ساخت یک نهاد آموزشی نو یافته‌ایم. فقط کوشیده‌ایم سنگریزه‌هایی از ساحل دریای بیکران علم را به این امید برچینیم که روزی بتوانیم دنیایی با انسانهای فرهیخته و آموزش‌یافته بسازیم تا ما را به آینده‌ای فرحبخش رهنمون شوند.

کارلوس هرناندز - راشمی مایر

